

کانون خانواده و بزهکاری

بی‌مهري

از: دکتر مهدی کی‌نیا

از محبت سخن گفته‌ایم و بدین نکات اشارت رفت که کودک رحم و شفقت ، نیکوکاری ، وفاداری ، صفا ، خلوص ، پاکی ، راستی ، صراحت لهجه ، رشادت ، شهامت ، شجاعت ، از خودگذشتگی ، فداکاری ، ادب ، فروتنی ، تواضع ، عزت‌نفس ، تعاون ، سخاوت ، احسان ، ایثار ، حریت ، تقوی ، عشق به کمال و سایر سجایا و ملکات انسانی رادر نخستین سالهای زندگی خود در دامن پرمهر و محبت پدر و مادر می‌آموزد . در مقالات دیگر از تضاد و تعارض بین والدین و تأثیر آن در کجروی فرزندان گفتگو داشته‌ایم و از عواقب بی‌مهري و مخاطرات بی‌تفاوتی عاطفی سخن به میان آورده‌ایم و در این زمینه دو نظریه راجع به فطری بودن یا اکتسابی بودن محبت ، ره‌آوردی از دانشمندان نامی غرب تقدیم خوانندگان گرامی این نشریه پراچ نموده‌ایم اینک برسر آنیم تا تحقیقات علمی و عینی که برپایه جامعه‌سنجی جنائی درباره تأثیر جرم‌زائی بی‌مهري والدین به عمل آمده است در تأیید مطالب گذشته در اختیار پدران و مادران و مربیان قرار دهیم .

پرفسور ژاک لئوته استاد دانشگاه حقوق و اقتصاد و علوم اجتماعی پاریس، مدیرمؤسسه جرم‌شناسی پاریس و مدیر پیشین مؤسسه علوم جنائی و زندانبانی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی استراسبورگ با استفاده از تحقیقاتیکه گلوتهک‌ها استادان نامور دانشگاه معروف هاروارد در مدت دمسال انجام داده‌اند و تحقیقاتیکه مستقیماً زیر نظر پرفسور لئوته در

فرانسه انجام گرفت ، درباره کمبود محبت یا فقدان آن یا بی‌مهری پدر و مادر نسبت به فرزندان جدول مقایسه‌ای را تنظیم کرده است که در اینجا از نظر خوانندگان میگذرد (۱) .

تأثیر بی‌مهری پدر در اتازونی موجب شد که نسبت اطفال بزهکار سه برابر اطفال ناکرده بزه‌گردد ولی تأثیر بی‌مهری مادر شدیدتر است زیرا نسبت اطفال بزهکاری که از محبت مادر محروم بوده‌اند بیش از شش برابر کودکان ناکرده بزه می‌باشد .

فقدان عواطف خانوادگی		خردسالان اتازونی		بزرگسالان فرانسوی باسوء پیشینه	
بزهکار		ناکرده بزه		زندانی	
تبعدی					
بی‌مهری پدر یا خصومت او	٪۵۹/۸ (از ۴۹۲ مورد)	٪۱۹/۴ (از ۴۸۰ مورد)	٪۴۰ (از ۱۸۴ مورد)	٪۶۸/۹ (از ۲۰۹ مورد)	
بی‌مهری مادر یا خصومت او	٪۲۷/۹ (از ۴۹۰ مورد)	٪۴/۵ (از ۲۲۳ مورد)	٪۲۴/۶ (از ۲۲۳ مورد)	٪۴۳/۸۶ (از ۲۳۷ مورد)	

در فرانسه کمبود محبت در خانوادهٔ بزهکاران پیشینه‌دار که در اثر کثرت تکرار جرم محکوم به تبعید شده‌اند از یک‌ونیم تا دو برابر بیشتر از کمبود محبت در خانواده‌هایی بود که برای نخستین بار دست به تکرار جرم زده‌اند .

هر چند در فرانسه گروهی ناکرده بزه ، از نظر عواطف خانوادگی به‌عنوان شاهد و کنترل مورد آزمایش و تحقیق قرار نگرفته‌اند ولی آقای پرفسور لئوته می‌نویسد که « بسیار متحمل است که در صدهای مربوط به بزهکاران و جمعیت ناکرده بزه فرانسوی که از عطفوت پدر یا مادر محروم بوده‌اند با جمعیت جنائی مشابه خود در اسریرا تفاوت چندانی نداشته باشد و به همان نسبت تأثیرش شدید باشد . » (۲)

اما در بارهٔ بی‌تفاوتی عاطفی و کمبود مهر و محبت فرزندان نسبت به پدر و مادر در همهٔ موارد وضع یکسان نبوده است .

جمعیتی از خردسالان اسریرائی نسبت به کسانی که آنها را دوست نداشتند بی‌تفاوت بودند ولی بی‌تفاوتی کودک کان نسبت به پدر و مادر، همیشه در اثر بی‌مهری پدر یا مادر نبوده است زیرا چه بسا پدران و مادرانی که فرزندان خود را دوست داشتند ولی فرزندان، نسبت به آنها بی‌تفاوت یا متفرغ بوده‌اند .

(1) Jacques LEAUTE, Criminologie et science pénitentiaire. P.U.F. Paris, 1972. P. 549.

(2) Ibid. p. 549.

بی تفاوتی یا خصوصیت نسبت به پدر ۶۷/۳٪ در میان بزهکاران و ۷/۲٪ در میان افراد ناکرده بزه وجود داشته است و این درصدها در مورد مادر، در میان دوگروه مزبور به ۳۵/۱٪ و ۱۰/۲٪ میرسید. (۳)

یکی از منابع تحقیقاتی فرانسه که مورد استفاده فراوان آقای پرفسور لثوته قرار گرفت، پژوهش «مرکز آموزش و پژوهش پرورش مراقبتی» (۴) است که علاست اختصاری CFRES برای آن برگزیده‌اند پژوهش درباره پانصد نوجوان بزهکار است که هنوز متأسفانه مقایسه این گروه با پانصد نوجوان ناکرده بزه که در اوضاع مشابهی باشند در آن مرکز به عمل نیامده است.

کار این مرکز روی پرونده‌هاییکه بین اکتبر ۱۹۵۹ و آوریل ۱۹۶۱ در دوازده دادسرای فرانسه (آلبی - آنژر - بردو - دیژون - لیون - ماری - نانسی - نانت - ارلان - استراسبورگ - ورسای) تشکیل شده بود صورت گرفت. این مرکز در بخشی از ورسای به نام ووکرسون (۵) تأسیس شد و به همین مناسبت در مراجع به نام «مرکز ووکرسون» از آن یاد میشود. در طبقه‌بندی بزهکاران تا آنجا که امکان داشت سعی بر آن شد که افراد هم‌سنخ و متجانس در یک‌گروه قرارگیرند و شهرستانها نیز براساس سه ملاک طبقه‌بندی شده‌اند:

- ۱ - موقعیت جغرافیائی.
 - ۲ - وضع شهرسازی.
 - ۳ - اشتغال حرفه‌ای غالب جمعیت فعال (کشاورزی یا صنعتی)
- در این مرکز نخست آزمایشی براساس طبقه بندی جرائم به عمل آمد و این آمار به دست آمد:

سرقت	۶۵/۶٪
کلاهبرداری و خیانت درامانت	۰/۶٪
اخفا	۲/۸٪
آدمکشی و قتل عمد باسبق تصمیم	۰/۲٪
ضرب و جرح عمدی	۰٪
جرائم منافی عفت	۳/۸٪
سایر جرائم	۲۲٪

توزیع جرائم با آنچه که آمار جنائی وزارت دادگستری فرانسه برای سرتاسر آن کشور به سال ۱۹۶۰ به دست آورده بود مشابه بوده است.

(3) Ibid. p. 550.

(4) Centre de Formation et de Recherche de l'Education surveillée.

(5) Vaucresson.



از نظر گروه‌های سنی این نمونه‌گیری چنین نشان داد :

٪۱۲	نوجوانان ۱۴ ساله
٪۲۴/۲	نوجوانان ۱۵ ساله
٪۳۶	نوجوانان ۱۶ ساله
٪۲۷/۸	نوجوانان ۱۷ ساله

و این نسبت نیز با آمار گروه‌های سنی کلیه تبهکاران صغیر سرتاسر فرانسه در سال ۱۹۶۰ مشابه بوده است (۶)

نتیجه کلیه این مطالعات بوسیله خود سرکز به سال ۱۹۶۳ چاپ شده است .
 برطبق تحقیق این مرکز که آقای پرفسور لئوته در کتاب خود نقل کرده‌اند، ۱/۷۵٪ از ۴۵۶ نفر زندانی ، محیط خانوادگی اصلی و همبستگی با آنرا رشار از تفاهم اعلام کرده‌اند و یک‌سوم از زندانیان چندان همبستگی در میان خانواده خود احساس نکرده‌اند (۷) .

(6) Jacques LEAUTE, Ouv. cité. p. 47.

(7) Ibid. p. 546.

در مطالعات مرکز ووکرسون دربارهٔ . . . نوجوان بزهکار با طرح سؤالاتی ، « تصویر داخلی» (۸) پدر و مادر ، با دقت به دست آمد . اختلاف فاحشی در مشکل اخذ تماس پسران با پدر و مادر مشاهده میشود :

۴۵/۸۳٪ از ۵۶۴ پسر نوجوان اظهار داشته‌اند که «با پدر خود میتوانستند به گفتگو بنشینند» و ۷۱/۲۷٪ گفتند که «با مادر خود میتوانستند به گفتگو بنشینند»
۲۵/۲۲٪ افراد مورد تحقیق ، پدران خود را غیر قابل درک یا دست نیافتنی خواندند در مقابل ۱۳/۱۶٪ چنین نظری دربارهٔ مادر خود داشتند .
۶/۸٪ رفتار پدران را نسبت به خود خصمانه میدانستند و ۳/۲۹٪ رفتار مادران را .
۴۳/۲٪ مورد قبول پدران خود نبوده‌اند و ۶۸/۲٪ مورد قبول مادران .
۱۱/۴۸٪ پدران خود را پدر ایده‌آلی و ۳۶/۵۳٪ مادران خود را مادر ایده‌آلی میدانستند (۹)

ویتمرومک کرد و زولا در آمریکا وضع عاطفی هریک از پدر و مادر را در دوگروه جداگانه مورد بررسی قرار داده‌اند و از این نظر برای پدران شش موقعیت تشخیص گردید :

۱ - پدران منفعل - پدرانی که در زندگی خانوادگی نقشی ثانوی دارند ، به طور کلی مردمی ساکت و درون‌گرا اما ملایم و سهربان هستند و محبت خود را کمتر بروز میدهند .

۲ - پدران خون‌گرم و پرهیجان - پدرانی که در حمایت از فرزندان خود راه مبالغه می‌پویند و در ابراز محبت نسبت به آنها افراط می‌پورزند و همیشه برای حل مشکل فرزندان خود آماده‌اند .

۳ - پدران غایب - به پدرانی اطلاق شده است که یا زندانی شده‌اند و یا خانواده را ترک گفته‌اند و یا آنکه رابطهٔ زناشویی آنان منجر به جدائی گردید .

۴ - پدران خبیث و ظالم - پدرانی که با پسران خود به خشونت رفتار میکنند و یا آنها را از کنار خود طرد میکنند .

۵ - پدران درگذشته .

۶ - پدران بی تفاوت و اهمال‌کار

جدول ذیل تأثیر هر یک از اوضاع عاطفی پدران را در دوگروه نشان میدهد . گروه اول نسبت کودکان محکوم و گروه دوم نسبت کودکانی است که به یک مؤسسهٔ کیفری سپرده شده‌اند .

(8) Image interne.

(9) Jacques LEAUTE, Ouv. cité, p. 550.

گروه دوم	گروه اول	پدران
٪۸	٪۳۲	منفعل
٪۵	٪۳۴	خون‌گرم و پرهیجان
٪۰	٪۴۲	غایب
٪۳۲	٪۴۷	خبیث و ظالم
٪۱۹	٪۵۲	درگذشته
٪۲۴	٪۶۲	بی تفاوت و اهمال کار

از بررسی جدول فوق (۱۰) چنین برمیآید که نسبت بزهاکاران در میان کودکانیکه پدر خیلی مهربان دارند اعم از اینکه محبت خود را بروز میدهند و پرهیجان هستند و یا آنکه طبیعی انفعالی دارند و محبت فوق‌العاده خود را نشان نمیدهند نسبت به سایر گروهها ضعیف‌تر است. توجیه این مطلب روشن است :

احساس محرومیت از محبت پدر مولد رفتار طغیان و عصیان علیه مقامات و صاحبان قدرت است. کودکی که محبت بخشیده چگونه میتواند دیگرانرا دوست بدارد.

کودکانیکه رفتار والدین را نسبت به خود خصمانه پالند و در آنان با دیده خصومت نگریستند، صاحبان قدرت روز را با همان چشم خواهند نگریست. پدرانیکه به فرزندان خود محبت ورزند مانع از بروز احساس محرومیت عاطفی در آنان میگرددند.

پدران اهمال کار و پدران خبیث، به عکس، احساس محرومیت را در فرزندان خود برمیانگیزند و بادست خود بذر عصیان را در نهاد آنان میباشند. درسورد کودکانیکه فاقد پدر بوده‌اند و یا خانواده آنها از هم پاشیده است در جای خود بحث خواهد شد. ویتمر و مک‌کورد و زولا وضع رفتار عاطفی مادران آمریکائی را در گروه طبقه‌بندی کرده‌اند و دیگر برای مادرانی که درگذشته‌اند طبقه خاصی قائل نشده‌اند :

۱- گروه مادرانیکه در حمایت از فرزندان خود فوق‌العاده افراط میورزند (۱۱) اینگونه مادران تا هنگامی هم که فرزندشان با به سن میگذارند و جزو بزرگسالان در میآیند باز هم به چشم کودکی در آنان مینگرند و از حمایت نسبت به آنان هم دریغ ندارند. این مادران فوق‌العاده مشوش و مضطرب و دل‌واپسند و باشندت فوق‌العاده‌ای فعالیتها و ابتکارات فرزندان خود را محدود میسازند.

۲- گسسه‌روه مادرانیکه از عشق شدیسسد مسادری برخوردارند (۱۲). این مادران پرجنب‌وجوش و زنده‌دل هستند و مشابه‌گروه قبلی همیشه دل‌واپسند با این تفاوت که مانع

(10) Ibid. p. 550. (Tableau extrait de "Origins of Crime" de W. et J. McCORD et I.K. ZOLA, p. 90)

(11) L'Hyperprotection

(12) Amour maternel anxieu.

ابتکارات فرزندان خود نمیشوند .

۳ - در گروه سوم مادرانی قرار دارند که به هنگام ابراز محبت به فرزند خود دچار تعارض و مسائل هیجانی شدید میشوند بدون اینکه به عواقب و مشکلاتیکه ممکنست بروز کند بیندیشند . در اینگونه مادران ، محبت مادری ، به محبت بیمارگونه عصبی تغییر ماهیت میدهد (۱۳) مثل مادرانیکه به هر بهانه‌ای تهدید به خودکشی میکنند . پنج گروه دیگر ، باتوضیحاتیکه درباره محبت پدری اشارت رفت احتیاج به توضیح ندارد .

مادران	گروه ۱	گروه ۲	مادران	گروه ۱	گروه ۲
مهر مادری به هنجار	٪۲۷	٪۹	خبثت و ظلم	٪۴۵	٪۲۰
مهر مادری توأم با تشویق واضطراب	٪۳۴	٪۱۲	غیبت	٪۵۰	٪۱۳
حمایت فوق العاده	٪۳۷	٪۷	انفعالی	٪۵۷	٪۲۹
مهر مادری بیمارگونه عصبی	٪۴۳	٪۰	غفلت	٪۷۲	٪۴۰

به طوریکه جدول فوق نشان میدهد (۱۴) نسبت پسران بزهکار که دارای مادران بی مهر خبیث ، غافل یا غایب بوده‌اند بیشتر از سایر گروه (به استثنای فرزندان مادران انفعالی) میباشد . بی مهری مادران مسلماً مخاطراتی بیش از بی مهری پدران دربردارد . زیرا کودک از مادر بیشتر انتظار و توقع بذل محبت دارد تا از پدر . مهر مادر راسقاسی دیگر است تا محبت پدر . در طبیعت ، بی مهری مادر نسبت به فرزند از سوار شاذ و نادر محسوب میشود ولیکن اگر چنین سواردی دیده شود احتمال بدبختی و سقوط فرزند را در تبهکاری باید قریب به یقین پنداشت .

حمایت فوق العاده مادران از فرزندان که یک عامل جرم‌زا تشخیص داده شد در همه حال چنین نیست . اینگونه حمایت مادر از فرزند ، شکست و تسلیم او را در برابر مشکلات تسهیل میکند و او را فردی زبون و ناتوان بار می‌آورد و از این راه ممکنست او به طور غیرمستقیم به سوی بزه کشانده شود . تحقیق گلوتهک‌ها مؤید استنباط ماست زیرا پژوهش آنان نشان میدهد که فرزندانیکه فوق العاده تحت حمایت مادران خود بوده‌اند به مراتب کمتر از سایر افراد مشابه خویش که از حمایت چندانی برخوردار نبوده‌اند ، مرتکب بزه گردیده‌اند .

(13) Amour maternel névrosé.

(14) Jeacque LEATE, Ouv. cité, p. 551

(Tableau extrait de "Origins of Crime" de W. et J. McCORD et I. K. ZOLA, p. 95 et S.)